گفت و گو با دکتر پریچهر خزعلی، معاون تالار تشریح پزشکی قانونی

دنیای متفاوت مرده ها

گفت و گو: یوسف حیدری

اینجا تالار تشریح پزشکی قانونی تهران است. در اینجا از سالها قبل زنی مشغول به کار است که تصورش هم برای من سخت است. صحنه هایی را می بینم که وحشت را در وجودم پر می کند و به خانم دکتر خزعلی - معاون تالار تشریح - فکر می کنم.

او هر روز با اجساد مختلف سر و کار دارد و لحظات کاری اش را در کنار آنها می گذراند. آنقدر راحت و در عرض چند دقیقه اعضای بدن انسان را می شکافد که برایم باورنکردنی است. تبحری که در تشخیص دارد و خونسردی اش مرا به آرامش وا می دارد.

دکتر خزعلی روپوش مخصوص اش را پوشیده و مرا همراه خود به محل کارش می برد. حرفهایش را با خودم مرور می کنم و وارد تالار تشریح می شوم. چند میز آهنی و فضای سرد حاکم بر آنجا مرا به «یادمرگ» می اندازد. چند دانشجو دور یک جسد حلقه زده اند و در حال کسب تجربه اند.

صدای اره ای از پشت سر به گوشم می رسد، به عقب برمی گردم. خانم دکتری در حال شکافتن کاسه سر یک جسد است. برای آنکه راز مرگ او را بداند نگاهم را از میزهای آهنی می دزدم، از اینکه زنی به این راحتی در حال کار و قدم زدن در اینجاست احساس شرم می کنم. سعی می کنم ترس و وحشتی را که برجانم نشسته است، پنهان کنم. عرق سردی بر پیشانی ام نشسته است، نگاهم انگار اطراف را محو می بیند، حرفهای خانم دکتر را با خودم مرور می کنم بلکه براین وحشت غلبه کنم ولی انگار تلاشم بی فایده است، دیگر چیزی نمی فهمم و ...

دکتر پریچهر خزعلی ۳۶ سال دارد، در اردستان اصفهان متولد شده است، در ۱۸ سالگی وارد دانشکده پزشکی کاشان شده است و پس از آن در سال ۱۳۷۵ برای گذراندن دوره تخصصی پزشکی قانونی به دانشگاه تهران رفته است.

■ چگونه وارد پزشکی قانونی شدید؟

- در تمام دوران تحصیلاتم شاگرد اول بودم. در آن سالها که ما مدرسه می رفتیم عشق به رشته پزشکی در مغز هر شاگرد اولی بود. شاید بشود گفت که ناخودآگاه وارد رشته پزشکی شدم در حالی که به ادبیات و شعر علاقه بیشتری داشتم. در طول دوران تحصیل پزشکی عمومی بود که به نظرم رسید برای این رشته ساخته نشده ام و به کنار انصراف افتادم ولی همان زمان بود که دو واحد پزشکی قانونی که جزو واحدهای اجباری پزشکی عمومی را داشتم، گرفتم و با این رشته آشنا شدم. به بخش روانپزشکی، در دوران استاجری و انترنی هم وارد شدم و متوجه شدم که به این دو رشته علاقه زیادی دارم.

■ چطور شد پزشکی قانونی را بر روانپزشکی ترجیح دادید؟

- برای نخستین بار استادی که به ما واحد پزشکی قانونی تدریس می کرد تفاوت شیار گردنی مربوط به خودکشی و قتل را عنوان کرد. این مسأله به اندازه ای برای من جالب بود که فکر کردم دانستن این اطلاعات که همه بخصوص سایر پزشکان رشته های بالینی از آن مطلع نمی باشند آنقدر هیجان آور است که به عنوان اولویت اول رشته انتخابی در آینده مدنظر قرارگرفت.

■ در آن زمان به جز شما چند زن دیگر به پزشکی قانونی وارد شده بودند؟

- در سال ۷۵ بود که ۱۹ نفر وارد رشته پزشکی قانونی شدند و من تنها دکتر زن ورودی این دوره بودم. قبل از من سه دکتر زن و قبل از آنها نیز یک نفر وارد این دوره تخصصی شده بودند ولی بعدها تعداد زنان رو به افزایش گذاشت که به نظر من تبلیغات مثبتی بود که توسط ما در این خصوص انجام شده بود.

■ تفاوت کار شما و دیگر پزشکان در چیست؟

- برخلاف تصور همه، تمام کار در پزشکی قانونی با مرده نیست. ما تعدادی مراجعات سرپایی و زنده داریم که قطعاً تعدادش بسیار فزونتر از اجساد می باشد. از روی تعداد واحدهای مراجعات سرپایی که در واحد شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکز، شهرری و ... معلوم است تفاوت ما بین کار پزشکانی که در تالار تشریح کار می کنند با دیگر پزشکان و یا پزشکان قانونی که با ارباب رجوع زنده سر و کار دارند بسیار زیاد است.

بسیاری از مردم از دیدن فرد مرده اکراه دارند در حالی که ما و همکاران مجبوریم هر روزاجسادی را معاینه کنیم که شاید بسیاری از آنها نه تنها سالم نیستند بلکه شاید توده ای استخوان بوده و یا به دلیل فساد زیاد به توده ای از کرم و سایر حشرات تبدیل شده باشند. بستگان یک جسد فاسد از نزدیک شدن به جسد عزیزشان اکراه دارند در صورتی که ما شاید ساعتها مشغول معاینه و نمونه برداری از جسد بوده و ساعتها وقتمان را صرف تعیین علت فوت آن می نماییم.

■ کشف حقیقت چقدر برایتان جذاب است؟ در برخورد با چه موضوعاتی ناچار به کالبدشکافی می شوید؟

- هر جسد یک دنیای جداگانه ای از سایر اجساد دارد. با کالبد شکافی به هویت، زمان فوت، علت فوت و... به مجهولاتی که برای خانواده، مقامات قضایی و حتی خودم ناشناخته است واقف می شوم.

در لحظه برخورد دنبال یک سؤال که همیشه نخستین و آخرین سؤال است هستم. از خودم می پرسم: علت فوت چیست؟ و وقتی این سؤال به جواب برسد آن وقت از روی اطمینان و آرامش خاطر نفس راحتی می کشیم.

با وجود سختی هایی که کار ما دارد هیچ وقت حاضر نیستم لذت معاینه یک جسد حتی فاسد و رسیدن به جواب مجهولات این معاینه را با معاینه افراد زنده عوض کنم. معاینه در سکوت و بخصوص معاینه فردی که قادر به دفاع از حق خود نیست و نمی تواند مثل یک فرد زنده صحبت کند و از سوابق خود اطلاعات بدهد و رسیدن به علت فوت، زمان فوت و سایرمجهولاتی که به احقاق حق وی توسط قاضی و مأمورین پرونده کمک کند بسیار جذاب و جالب خواهدبود.

پیش فرض ما در تالار تشریح این است که هر جسد باید کالبدشکافی شود مگر قاضی صراحتاً دستور عدم کالبدشکافی را بدهد.

■ باتوجه به حساسیت شغلی تان و این که سرنوشت خیلی از پرونده های قضایی به نظرات تخصصی شما بستگی دارد چقدر در این مورد حساس هستید و تجربتان در پرونده های پیچیده چقدر کمکتان می کند؟

- همیشه نظری که ما در یک پرونده می دهیم اعم از علت فوت و زمان فوت برای بسیاری از افراد از جمله خانواده فرد، مقامات قضایی و در نهایت خودم ارزشمند است. در بسیاری از موارد اگر چه بار سنگین هر پرونده بردوش مقامات قضایی نهاده می شود ولی نظر ما از علت فوت گرفته تا موارد دیگر همه راهگشای قاضی در صدور حکم نهایی می باشد. برای مثال فردی که با چند روش به قتل رسیده است تعیین تقدم و تأخر این موارد و اینکه کدام روش نهایتاً به مرگ وی منجر شده و یا مواردی مثل چاقو خورده ها و ضربات متعددی که وجود دارد کدام ضربه کشنده بود، کدام ضربات ابتدا و کدام ضربه بعداً وارد شده اند که اینها بخصوص در مواردی که تعداد افراد متجاوز از یک نفر بیشتر باشد اهمیت پیدا می کند.

در تصادفات و اینکه فرد به علت تصادفات مستقیماً فوت شده و یا اینکه فوت غیرمستقیم به تصادف ربط داشته یا خانمی که باردار بوده و متعاقب تصادف جنین نیز فوت شده و یا موارد قصور پزشکی و یا هزاران مورد دیگر نظر پزشک قانونی مستقیماً راهگشای معمای پرونده برای مقامات قضایی است.

حساسیت این قضیه به اندازه ای زیاد است که گاهی با تغییر یک کلمه از «می تواند» به «نمی تواند» یا «شد» به «نشد» می توان تصور کرد فردی را بالای دار می بری یا از بالای دار پایین می آوری یا اینکه خانواده ای را به حقش می رسانی و خانواده دیگری را بی سرپرست می کنی و هرکس از این حساسیت اطلاع داشته باشد قلمش بسرعت و براحتی روی کاغذ حرکت نمی کند. اول معاینه و بررسی می کند بعد فکر می کند و اگر لازم باشد در پرونده بالینی یا کیفری فرد مطالعه جنبی می کند و نهایتاً با رعایت تمام جوانب و در نظر گرفتن خدا به عنوان داور و آنچه حق است آن وقت برکاغذ قلم را حرکت می دهد.

در این رشته تجربه و زمان بسیار ارزشمند است. هرچه بیشتر در تالار تشریح کسب تجربه کنی اهمیت موضوع برایت بیشتر می شود. اگرچه خیلی مسائل را با یک نگاه می فهمی ولی به دلیل محتاط شدن سعی می کنی گام به گام جلو بروی و بعد از آگاهی از تمام مسائل یک پرونده علت فوت را تعیین کنی.

■ تاکنون شده که قبل از کالبدشکافی جسد علت فوت خودکشی اعلام شده باشد ولی شما پس از کالبدشکافی متوجه قتل شوید؟

- در مواردی در معاینه یک جسد مجبور به نمونه برداری جهت آزمایشات سم شناسی و آسیب شناسی و ... هستیم. مورد سؤال مطرح شده شما تا حالا برایم پیش نیامده ولی مواردی بوده که در ابتدا بستگان موضوع خودکشی خود را کتمان کرده اند مثل حلق آویز شدن ولی پس از معاینه حقیقت روشن شده است و در آن زمان بستگان متوفی اعلام کرده اند به خاطر جلوگیری از مشکلات بعدی در خانواده این مسأله را کتمان کرده اند یا در مواردی که بستگان فرد از نحوه فوت اظهار بی اطلاعی کرده اند ولی بعداً در آزمایشات سم شناسی سیانور مثبت شده و معلوم شده که فرد را با سیانور مسموم کرده اند.

■ از خاطرات تلخ و شیرینی که در این مدت داشته اید بگویید؟

- خاطرات زیادی از دوران کار در پزشکی قانونی دارم. در مورد خاطرات شیرین باید بگویم که اگر با مرگ عزیز دیگری قرار باشد خاطره شیرینی برای من درست شود عملاً بی معنا است

هر اتفاق در تالار تشریح یک تجربه گرانبها و سنگین است که قسمتی از زندگی من را ساخته است.

در یک مورد یکی از بستگان زنگ زدند و خواهش کردند فرزند یکی از دوستانشان که ضربه مغزی شده بود و قرار بود از بیمارستان به پزشکی قانونی منتقل شود را ببینم و علت مرگ را بررسی کنم. چون آخر وقت اداری بود و آنان می خواستند همان روز کارشان انجام شود قبول کردم که کار پرونده را انجام دهم، بعد از رفتن به داخل سالن، دختربچه ای را دیدم که مورد کودک آزاری والدین اش واقع شده و با آثار متعدد سوختگی، جراحت و...به دلیل اصابت ضربات متعدد به جمجمه فوت شده بود.

همین طور یک قطعه از کف پا به عنوان مومیایی خرید و فروش شده و بعد از دستگیری افراد برای معاینه و اطلاع از قدمت آن توسط مأمور پرونده به تالار تشریح ارجاع شده بود. مأمور پرونده می گفت ۲۴ ساعت چشم از مومیایی برنداشته مبادا که سرقت شود. در معاینه معلوم شد قطعات یونولیت که با چسب کفش و با اطلاع از آناتومی کف پا تهیه شده بود، به مبلغ گزافی مورد خرید و فروش قرار گرفته بود.

ماجرای خفاش شب، بیجه و تمام چیزهایی که مردم به عنوان حوادث در صفحات روزنامه می خوانند را ما واقعاً با آن روبرو می شویم.

■ با توجه به مسؤولیت و کارتان آیا شده است که امور خانواده را به خاطر کار تعطیل کرده و نادیده بگیرید؟

- همسرم مشوق اصلی من برای ورود به رشته پزشکی قانونی بود. من و او با هم فارغ التحصیل شدیم او به سربازی رفت و من بعد از اتمام یک سال طرح توانستم در امتحان دستیاری شرکت کنم ولی او این امکان را نداشت به همین دلیل به من پیشنهاد کرد در امتحان رشته پزشکی قانونی شرکت کنم به دلیل علاقه زیاد همسرم به این رشته و اینکه او هم پزشک پزشکی قانونی است درک بالایی از کار دارد مورد تشویق او بوده ام و هر مرحله از ترقی در کارم را مدیون کمک های فکری او هستم. با توجه به کشیک های شب که به عنوان پزشک صحنه جرم در تالار تشریح سازمان حضور ۲۴ ساعته دارم تنها کسی که فکر می کنم نبودنم در منزل باعث نگرانی اش می شود دختر کوچکم غزل است. او هر ماه از من خواهش می کند که دیگر کشیک شب نباشم.

■ در ساعاتی که نیستید فرزندتان را به چه کسی می سپارید؟

- در نبودن من در منزل، پدرش از وی مراقبت می کند. از بدو تولد فرزندم تا دو سالگی اش مادرم از او مراقبت می کرد و بعد از آن به صورت متناوب برای کمک در نگهداری از وی، از شهرستان به تهران می آید. وقتی مادرم هست آرامش فکری ام دو چندان می شود.

■ دغدغه های خانه و بچه تان روی کارتان تأثیر نمی گذارد؟

- تا آنجا که در توان داشته ام سعی کرده ام به خاطر مشکلات داخلی خانواده ام به کارم لطمه وارد نشود ولی گاهی ممکن است به دلایلی مثل بیماری خودم یا فرزندم کارم تعطیل شده باشد. در اکثر موارد با وجود بیماری و تب دخترم با به محیط کار می آورم و در همین جا از او نگهداری می کنم به نحوی که دخترم از شغل، کار و حتی بسیاری از نکات کاری من مطلع است.

■ شوهرتان چه نگاهی نسبت به شما دارد؟

- از کار من راضی است او در کار و زندگی هیچ وقت من را یک زن نمی داند نه اینکه زن موجود ضعیفی باشد بلکه منظورم این است که او اعتقاد دارد یک زن باید بتواند هر کاری را در حد توان یک مرد انجام دهد.

■ چه گلی را دوست دارید؟

- گل شقایق. به خصوص وقتی در یک صحرا و در میان علف ها شقایق ها را پراکنده نگاه کنم.

■ چه غذایی را دوست دارید؟

- کباب کوبیده و تقریباً از هیچ غذایی بدم نمی آید.

■ آشپزی تان چطور است؟

- آشپزی ام بد نیست هر غذایی را بخواهم خوب درست می کنم می توانم ولی فکر می کنم ماکارونی هایم خوشمزه است.

■ هیچ وقت از دیدن اجساد در آن اوایل وحشت نکردید؟

- خیر در ابتدا هم از دیدن جسد وحشت نداشتم. بچه که بودم دوست داشتم وقتی که کسی می میرد حتماً قبل از به خاک سپرده شدنش دزدکی او را ببینم.

■ همکاران مرد در برابر نظرات و کار شما جبهه گیری و مخالفت نمی کردند؟

- فکر می کنم از نظر علمی و در کارم آنقدر مورد قبول همکاران هستم که نه تنها کسی مقابلم جبهه گیری نمی کند بلکه بیشتر اوقات مورد مشورت نیز قرار می گیرم.

■ یک تعریف از مرگ و یک تعریف از زندگی بکنید.

- زندگی زیباترین چیزی است که سراغ دارم. زندگی عشق و صمیمیت و محبت است که خدا به ما عطا کرده و همیشه به این علت شکرگزار او هستم.

زندگی زیباست ای زیباپسند
زنده اندیشان به زیبایی رسند
آنقدر زیباست این بی بازگشت
کز برایش می توان از جان گذشت
و مرگ شروع یک زندگی ناآشنا است که من از آن می ترسم.

■ بیشتر پرونده هایی که بررسی می کنید مربوط به چه موضوعاتی است؟

- پرونده هایی که با آن روبرو هستیم قتل، خودکشی، فوت مشکوک، حوادث، مرگ های طبیعی با علت نامعلوم، قصور بیمارستانی، مرگ حین جراحی حوادث و ... است که به نظرم بیشتر مرگ ها حوادث و نیز مرگ های طبیعی با علت نامشخص قبل از کالبدگشایی بوده اند. فکر می کنم بین قتل و خودکشی در مجموع اجسادی که به علت خودکشی فوت شده اند که البته به طرق مختلف است از قتل بیشتر مورد معاینه من واقع شده اند.

■ چه نوع مرگی روی ذهن شما تأثیر منفی می گذارد؟

- کودک آزاری مرا به شدت تحت تأثیر قرار می دهد و به خصوص آنها که توسط والدین مورد کودک آزاری واقع شده اند. تعجب می کنم که چطور والدین جگرگوشه شان را که موجود مظلوم و کوچکی است مورد آزار و اذیت متناوب و طولانی قرار داده و به قتل می رسانند.

■ چه آرزویی دارید؟

- سلامت و سعادت برای همسر، فرزند، خانواده و دوستانم و اینکه بتوانم در کنار آنها با خاطری آسوده و آرام به یاری خدا زندگی کنم.

■ اگر پرنده بودید چه می کردید؟

- روی یک درخت و بالای یک نهر آب با صدای دلنشین جیک جیک کنم و با آنکه واقعاً از بلندی می ترسم تا آنجا که می توانم پرواز کنم و زندگی را از بلندترین نقطه ببینم.

زندگی زیباترین چیزی است که سراغ دارم. زندگی عشق و صمیمیت و محبت است که خدا به ما عطا کرده و همیشه به این علت شکرگزار او هستم

و مرگ شروع یک زندگی ناآشنا است که من از آن می ترسم

چالش های حقوقی زنان

نفقه

معصومه رحمانی
وکیل دادگستری و مشاور حقوقی

تنها زنان کشور ما نیستند که دچار مشکلات حقوقی می شوند، بلکه در سراسر دنیا این مسأله حکمفرماست. علاوه بر آن، چالش های حقوق فقط یکی از مسائل و معضلات در حوزه زنان تلقی می شود؛ در سایر ابعاد نیز مانند بعد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز زنان ادارای مسائل و مشکلات خاص خود هستند که بحث جداگانه ای را می طلبد.

نفقه یکی از مهمترین مسائل حقوق خانواده است که در همه مراحل زندگی چه در دوران زناشویی و چه پس از انحلال آن، هم در ارتباط با زوجین و هم در رابطه با فرزندان و دیگر بستگان جلوه می کند.

از نظر اسلام زن و شوهر پس از شکل گیری نهاد خانواده مکلف به یاری و مساعدت یکدیگر در امر اداره خانواده هستند. ولی، به دلیل اینکه ریاست این نهاد مقدس را مرد عهده دار است، تأمین هزینه خانواده و مخارج شخصی زن نیز، به عهده اوست و زن از این نظر هیچگونه مسؤولیتی ندارد. قانونگذار نیز مرد را موظف به تأمین معاش خانواده می داند. در واقع می توان گفت تکلیف شوهر به دادن نفقه از توابع ریاست او بر خانواده است. ذکر این نکته لازم است که تأمین هزینه های شخصی زن توسط شوهر اختصاص به موردی ندارد که زن از تأمین آن عاجز باشد، بلکه حتی اگر او متمول و دارای ثروت کلان نیز باشد، الزامی ندارد که از اموال شخصی خود مخارج و مایحتاج خویش را تأمین نماید.

مطابق مواد قانون مدنی ایران که برگرفته از فقه امامیه است، شرط وجوب نفقه دو مورد است: الف) نکاح دائم. ب) تمکین زوجه.

به موجب ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی: « در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.»

«مفقه» معانی گوناگونی دارد که صرفنظر از معنای لغوی و اصلاحی آن در فقه امامیه، فقط اشاره ای به معنای اصلاحی آن در قانون می کنیم. به موجب ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرضان یا نقصان اعضا؛ البته ماده فوق الاشعار به دلیل بخش های فراوانی که در زمینه هزینه و نفقه زن در خانه مطرح بود تغییراتی کرد و متن ماده در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ به شرح زیر اصلاح شد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.» (که اصلاح این ماده خودگام مثبتی در جهت حمایت از زنان در زمینه مزبور تلقی می گردد.)

در واقع با عقد ازدواج و همین که نکاح به طور صحیح واقع شد، رابطه زوجیت بین طرفین ایجاد و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می شود. مرد، مکلف به دادن نفقه زن و فرزندان خود می شود و زن نیز در مقابل، مکلف به انجام وظایفی در قبال شوهر خویش است (تمکین عام و خاص) که خود موضوع بحث جداگانه ای است. بنابراین اگر زن وظایف خویش را در مقابل شوهر خود انجام دهد و در اصطلاح قانونی تمکین نماید، محق به دریافت نفقه متعارف است.

حال چنانچه شوهر بدون عذر موجهی از دادن نفقه استنکاف کند، زن می تواند به محکمه رجوع نماید و محکمه مطابق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی، میزان نفقه را تعیین و شوهر را ملزم به پرداخت آن خواهد کرد.

چنانچه اجرای حکم و الزام شوهر به دادن نفقه ممکن نباشد زن می تواند مطابق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی برای گرفتن طلاق به حاکم رجوع نماید که در اینصورت حاکم شوهر را اجبار به طلاق می کند. این حکم در موردی که شوهر عجز از پرداخت نفقه نیز داشته باشد، جاری است.

نکته قابل توجه این است که نفقه زن از دیون ممتاز محسوب می گردد، یعنی چنانچه مرد طلبکاران متعددی داشته باشد (درصورت ورشکسته شدن)، نفقه زن مقدم بر بدهی های مرد است و اگر فرد باشد بدهی های او را از باقیمانده اموالش بپردازد، نفقه همسر جزو دیون مقدم است. علاوه بر آن نه تنها زن می تواند نفقه زمان گذشته را از مرد بخواهد، بلکه حق دارد از دادگاه بخواهد که مقدار نفقه آینده او را نیز تعیین و مرد را به پرداختن آن محکوم کند، در حالی که اقارب و بستگانی که مرد مکلف به پرداخت نفقه آنهاست تحت شرایط خاص، فقط نسبت به آینده می تواند مطالبه نفقه نماید. (ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی).

حال چنانچه زن به تکلیف خود در مقابل شوهر عمل نمود ولی شوهر بدون عذر موجهی حاضر به پرداخت نفقه او یا فرزندش نشد، زن می تواند وفق مواد قانونی به دادگاه صالح رجوع نماید. نکته قابل توجه این است که هنگام تنظیم دادخواست مطالبه نفقه، این مسأله را باید مورد توجه قرار دهد، که چنانچه زن می خواهد برای تمامی نفقه گذشته و همچنین نفقه ماه های آینده خود، اقامه دعوی نماید، باید دادخواست حقوقی در فرم های چاپی مخصوص دادخواست دهد، که موضوع خواسته آن، مطالبه نفقه گذشته و آینده اوست و تمبر مالیاتی مربوطه را به روی آن باطل کند. و به صرف شکایت کیفری به دلیل ترک انفاق به موجب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ ، نمی تواند تمامی نفقه گذشته و آینده خود را مطالبه کند و حاکم صرفاً به همان خواسته از جهت کیفری رسیدگی نموده و شوهر را به محکومیت کیفری و پرداخت نفقه همان ماه، ملزم می نماید.

گفتنی است مطابق رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵-۲۹/ ۱۳۶۸/۱ هیأت عمومی دیوانعالی کشور: «... مطالبه نفقه زوجه از حقوق الناس می باشد، لذا تا زمانی که گذشت زوجه از تعقیب شکایت جزایی احراز نشود، دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود...»

زوج ملزم به پرداخت میزان نفقه ای است که دادگاه تعیین می کند و مقدار آن بستگی به عواملی از جمله: میزان درآمد شوهر، محل زندگی زن و شوهر، وضعیت مسکن از جهت استیجاری بودن یا نبود آن، شأن زن و سنجش آن با زنان همسطحش و ... دارد بنابراین تعیین نفقه منوط به نظر قاضی دادگاه و با در نظرگرفتن فاکتورهای فوق الذکر است.